

از شهروندان غیرنظامی و همچنین ساقط کردن رژیم قذافی پیش رفت و اوباما «لیبی با دولت فراگیر، بردبار و دموکراتیک را برای جهان تصویر می‌کرد که می‌توانست نتیجه نهایی از بین بردن رهبری قذافی باشد.» آرمان‌گرایی در عین حال می‌تواند دیدگاهی دوگانه از مبارزات را به عنوان خیر علیه شر تشویق کند که ذاتاً همیشه درست نیست و مذاکره با دشمنان و دستیابی به موفقیت‌های نسبی در چالش‌های روابط خارجی را دشوار می‌سازد. در افغانستان ایالات متحده در ابتدا از ایجاد تمایز بین القاعده و طالبان خودداری می‌کرد؛ آن‌هم در شرایطی که القاعده به دنبال خلافت بین‌المللی بود و اهداف طالبان تنها محدود به افغانستان و پاکستان شده بود. واشنگتن از ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی شروع به گفت‌وگو با طالبان کرد؛ در واقع یک دهه بعد از این‌که جنگ شروع شده بود...

در مقابل، هویت‌های ملی روسیه و ایران اولویتی برای تفکر لیبرالی قائل نیست و این می‌تواند قدرت نرم آن‌ها را زیر سؤال ببرد اما اجازه می‌دهد تا یک موضع عمل‌گرایانه‌تر در خصوص وقایع داشته باشند. این مسأله می‌تواند بازگشت سرمایه را در درگیری‌ها در جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی به حداکثر برساند. اهداف روسیه در زمان جنگ معمولاً غیر لیبرال، محدود و واقع‌بینانه هستند. مسکو به جای دنبال کردن ملت‌سازی به سبک غربی، به دنبال نظام سیاسی مطلوبی است که از خطوط قرمز روسیه محافظت کند؛ خطوط قرمزی مانند دور نگه داشتن کشورهای پیرامونی آن از ناتو و اتحادیه اروپا.

نکته جالب توجه این است که مسکو یکی از بازیگران اصلی در خاورمیانه است که با همه به مذاکره می‌نشیند: از اسرائیل و مصر گرفته تا حماس و تشکیلات خودگردان، ایران و عراق و سوریه و همچنین ترکیه و حزب‌الله و در عین حال کردهای سوریه و عراق. مداخله مسکو در گرجستان یک عملیات محدود و حساب‌شده برای مجازات تفلیس و تقویت کنترل اراضی روسیه بود. مسکو با کسب پیروزی آشکار در میدان نبرد، نیروهای خود را به مناطق مورد مناقشه عقب برد و اهداف خود را گسترش داد. به همین ترتیب استقرار روسیه در سوریه یک عملیات محدود برای حمایت از بشار اسد و آزمایش فناوری‌های نظامی و کسب جایگاه بین‌المللی بود. مسکو با دستیابی به این اهداف تا حد زیادی در سال ۲۰۱۶ عقب‌نشینی نسبی روسیه را اعلام کرد. این نوع مأموریت‌ها با تعریف محدود ممکن است برای امریکایی‌ها که جنگ را از منظر خیر در مقابل شر یا به صورت جنگ‌های صلیبی می‌بینند، مضحک به نظر برسد. اهداف ایران نیز عموماً به جای جنگ‌های صلیبی، عمل‌گرایانه بوده است... ایران همچنین نقشی کلیدی در گفت‌وگوهای صلح در افغانستان ایفا کرد آن‌هم در شرایطی که با دشمن سابق خود طالبان نیز روابط برقرار می‌کند. ایران امروز یک بازیگر تأثیرگذار در غرب افغانستان و بخصوص در حوزه هرات یا «ایران کوچک» است.

خلاصه آن‌که فرهنگ ایدئولوژیک امریکا، روحیه جنگ صلیبی را در زمان جنگ تحریک می‌کند. برای مثال نگاه درست به لشکرکشی‌های نظامی می‌تواند در جنگ بین دولت‌ها خطرناک باشد و دستیابی به نتیجه‌ای جز تسلیم بی‌قید و شرط دشمن را دشوار سازد. اما آرمان‌گرایی امریکایی زمانی خطرناک‌تر می‌شود که بدانیم چرا امریکا شکست می‌خورد و روسیه و ایران در حال پیروزی هستند. ایالات متحده وارد جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی می‌شود زیرا اهداف غیرممکن را تشویق می‌کند و مدلی بسیار ساده شده را برای یک مبارزه پیچیده به بازیگران تحمیل می‌کند. این کار باعث می‌شود که پروسه ایجاد اتفاق و معامله و توافق بر سر ضروریات در یک چالش مرتبط با جنگ داخلی بسیار سخت شود و این مسأله است که امریکایی‌ها به‌ندرت آن را درک می‌کنند. روسیه و ایران از لحاظ نظامی ضعیف‌تر از امریکا هستند اما همین مسأله مزیت آنها است که باعث می‌شود دید واضح‌تری از آنچه در جنگ قابل دستیابی است به دست بیاورند.

Reset policy [۱]



اهلن از پرچم ایران توسط زننده های عراقی



■ دلایل نتایج متفاوت

فرهنگ ایدئولوژیک امریکا، روحیه جنگ صلیبی را در زمان جنگ تحریک می‌کند. برای مثال نگاه درست به لشکرکشی‌های نظامی می‌تواند در جنگ بین دولت‌ها خطرناک باشد و دستیابی به نتیجه‌ای جز تسلیم بی‌قید و شرط دشمن را دشوار سازد. اما آرمان‌گرایی امریکایی زمانی خطرناک‌تر می‌شود که بدانیم چرا امریکا شکست می‌خورد و روسیه و ایران در حال پیروزی هستند. ایالات متحده وارد جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی می‌شود زیرا اهداف غیرممکن را تشویق می‌کند و مدلی بسیار ساده شده را برای یک مبارزه پیچیده به بازیگران تحمیل می‌کند. این کار باعث می‌شود که پروسه ایجاد اتفاق و معامله و توافق بر سر ضروریات در یک چالش مرتبط با جنگ داخلی بسیار سخت شود و این مسأله است که امریکایی‌ها به‌ندرت آن را درک می‌کنند. روسیه و ایران از لحاظ نظامی ضعیف‌تر از امریکا هستند اما همین مسأله مزیت آنها است که باعث می‌شود دید واضح‌تری از آنچه در جنگ قابل دستیابی است به دست بیاورند

به بعد توسط دهه‌ها جنگ ویران شده و نرخ باسوادی کمتری نسبت به امریکا در دهه ۱۶۰۰ میلادی داشت. در عراق، این هدف جسورانه‌تر بود. همان‌طور که جورج بوش گفته بود: «یک عراق آزاد، دموکراتیک و صلح‌آمیز، امریکایی‌ها و دوستان ما را تهدید نمی‌کند و می‌تواند الگوی امیدوارکننده‌ای برای کل منطقه باشد و سایر کشورها را به انتخاب آزادی سوق دهد.» دولت اوباما در خصوص ایجاد ترسیم اهداف در لیبی بیشتر مراقب بود و اهداف محدود شده‌ای را برای خود در نظر گرفته بود. با این حال در طول جنگ، اهداف ایالات متحده به سمت حفاظت

چرا ایالات متحده در میدان نبرد جنگ داخلی در کشور خارجی نسبت به روسیه و ایران در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد؟ پاسخ در کمبود قدرت نیست. در سال ۲۰۱۸، هزینه‌های دفاعی ایالات متحده ۶۴۹ میلیارد دلار بود؛ ۶۱۴ میلیارد دلار روسیه و تنها ۱۳۰۲ دلار ایران. اگر بخواهیم به صورت دلاری صحبت کنیم، اقتصاد ایالات متحده دلیل اصلی شکست این کشور نیست چرا که روسیه و ایران در شرایطی برنده میدان هستند که اقتصاد ایالات متحده ۱۵ برابر بزرگ‌تر از روسیه و ۵۰ برابر بزرگ‌تر از ایران است.

در عوض می‌توان بیان کرد که دلیل اساسی، نتایج متفاوت فرهنگ استراتژیک با الگوهای متمایز روابط اجتماعی، باورها و ارزش‌هایی است که در یک جامعه آموخته شده و به دست می‌آیند و با انجام جنگ مرتبط هستند. فرهنگ داخلی، فرهنگ نظامی و شکاف فرهنگی بین مداخله‌گر و دولت هدف، ۳ پارادایم اصلی هستند که نتایج مداخله در جنگ‌های داخلی را به شدت تغییر می‌دهند.

یکی از عناصر اصلی هویت ملی ایالات متحده عقیده و تفکر فکری مبتنی بر حقوق فردی و دموکراسی است که امریکایی‌ها گاهی اوقات تصور می‌کنند این مسأله مورد پذیرش جهانی قرار گرفته با آن‌طور که الکساندر همیلتون یکی از پدران بنیانگذار ایالات متحده گفته، این مسأله به دست خدا در آسمان‌ها حک شده است!

آرمان‌گرایی امریکایی، دارایی قدرتمند امریکا و منبع قدرت نرم این کشور برای مبارزه و جذب متحدان در سراسر جهان است. زمانی که ایالات متحده در جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی دخالت می‌کند، با این حال این آرمان‌گرایی می‌تواند واشنگتن را ترغیب به جنگ‌های بزرگ، با اهداف غیرواقعی کند. مقامات امریکایی شاید بر این تصور باشند که ظلم و استبداد، عشق طبیعی به آزادی را سرکوب می‌کند و حذف یک دیکتاتور باعث شکوفایی دموکراسی می‌شود. هدف ایالات متحده در افغانستان تشکیل دولت مستقل، میانه‌رو و دموکراتیک در این کشور بود که بتواند به صورت مستقل از حاکمیت خود در سراسر افغانستان استفاده کند اما ایجاد لیبرال دموکراسی پایدار، حتی در طول یک نسل غیر قابل اجرا بود زیرا افغانستان از سال ۲۰۰۱

